

# اسرائیل و عمل‌گرایی فلسطینی

محمد رضا ملکی<sup>۱</sup>

## مقدمه

در هشتم دسامبر ۱۹۸۷، در اثر تصادف یک کامیون اسرائیلی با وسیله نقلیه حامل کارگران فلسطینی در حوالی اردوگاه جبلیه در غزه چهار نفر از اعراب فلسطینی کشته و تعدادی زخمی شدند.<sup>(۱)</sup> این حادثه موجب برپایی تظاهرات گسترده‌ای شد، به خصوص اینکه این شایعه قوت گرفته بود که حادثه مذکور اقدامی از پیش طراحی شده به خاطر تلافی قتل یک سیاستمدار اسرائیلی در ششم دسامبر در غزه بوده است.<sup>(۲)</sup>

روز بعد از واقعه، تظاهرکنندگان فلسطینی ساکن غزه جاده‌ها را مسدود کردند و با سوزاندن لاستیک اتومبیل به پرتاب سنگ، کوکتل مولوتف و میله‌های آهنی به طرف نیروهای اسرائیلی مبادرت کردند. در دهم دسامبر، دامنه این تظاهرات به اردوگاهی نزدیک نابلس در ساحل غربی کشیده شد. در شانزدهم دسامبر نیروهای مخصوص ضدشورش اسرائیلی به مقابله با تظاهرکنندگان پرداختند. تعداد زیادی از سربازان اسرائیلی به نوار غزه اعزام شدند و تلاش کردند که ناآرامی فزاینده را سرکوب نمایند.

دو روز بعد، پس از اتمام نماز جمعه، جوانان فلسطینی بعد از خروج از مساجد در غزه با

۱. دکتر محمد رضا ملکی، پژوهشگر ارشد سیاسی و مدرس دانشگاه است.

نیروهای اسرائیلی در نبردهای خیابانی درگیر شدند. تعدادی عرب فلسطینی دیگر در این درگیری‌ها کشته و جمع زیادی مجروح شدند. نیروهای اسرائیلی به بیمارستانی در غزه یورش بردند، دهها عرب فلسطینی را زخمی و تعداد کثیری از آنها را دستگیر کردند، حتی پزشکان و پرستاران بیمارستان را که سعی کرده بودند از بیماران مراقبت کنند مورد ضرب و شتم قرار دادند... به این ترتیب در ظرف ده روز انتفاضه یا قیام شکل گرفت. چون مبارزه فلسطینی‌ها با اسرائیلی‌ها عمدتاً با استفاده از سنگ بود این حرکت یا قیام، به قیام سنگ نیز معروف شد.

## ۲- انتفاضه اول - مبارزه بدون برنده

قیام مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی حرکتی بدون برنامه بود. این حرکت که به‌طور خودجوش و کاملاً غیرمنتظره و در اثر یک تصادف جاده‌ای در غزه روی داد، هویت یا رهبریت واقعی نداشت و حتی اهداف مشخصی را نیز دنبال نمی‌کرد. ظهور آن همانند باز شدن یک ورم و غده چرکین بود که در بستر روابط تیره و تار میان دو دسته از مردم یعنی فلسطینی‌ها و یهودیان، به مرز و آستانه تعفن رسیده بود.<sup>(۴)</sup>

در مراحل اولیه این قیام، اسرائیل سعی کرد که به آن به عنوان یک حادثه محلی، که نباید آن را جدی تلقی کرد، نگاه کند، لذا آن کشور به ارزیابی مجدد موقعیت و تغییر اساسی در سیاست خود نپرداخت. چرا که به ادعای اسرائیل، حاکمیت آن کشور در سرزمین‌های اشغالی و کنترل اسرائیل بر جمعیت فلسطینی همیشه خدشه‌ناپذیر بوده و استمرار خواهد داشت، لذا تأکید اسرائیل تنها بر این بود که چطور با تظاهرکنندگان، با سنگ‌اندازها و سایرین برخورد نماید.<sup>(۵)</sup>

اما وسعت قیام در مراحل بعدی و شدت خشونت اسرائیلی‌ها و به خصوص سیاست رابین در برخورد شدید با تظاهرکنندگان موسوم به سیاست «شکستن استخوان‌ها» که وحشیانه و دارای آثار عکس بود<sup>(۶)</sup> و انعکاس این رویدادها توسط وسایل ارتباط جمعی به سراسر جهان موجب شد که همدردی‌های بین‌المللی با فلسطینی‌ها بیشتر شود، مسأله‌ای که اسرائیل هرگز قبلاً در آن باره اندیشه نکرده بود، و لذا مقابله با ابراز همدردی‌های وسایل ارتباط جمعی بین‌المللی درباره فلسطینی‌ها در دستور کار اسرائیل قرار گرفت.

به رغم نیروهای زیادی که اسرائیل به سرزمین‌های اشغالی اعزام کرده بود، آن کشور

موفق نشد که انتفاضه را به‌طور کامل سرکوب کند. در این مورد برخی جناح‌ها در اسرائیل چنین استدلال می‌کردند که این معضل از طریق نظامی قابل حل نیست و تنها باید از طرق و با وسایل سیاسی رفع و رجوع شود، با این وجود به رغم این هشدارها دولت اسرائیل به این نحو عمل نکرد و در نتیجه انتفاضه در دو بُعد مبارزه نظامی و وسائل ارتباط جمعی<sup>(۸)</sup> اسرائیل را تا تابستان ۱۹۹۲ یعنی پایان انتفاضه اول<sup>(۹)</sup> به چالش فرا خواند.

## ۱-۲- آثار انتفاضه اول

در شرایطی که خسارات وارده بر اسرائیل در طول انتفاضه اول به خصوص سال اول در مقام مقایسه با فلسطینی‌ها اندک بود، خسران دیدگان واقعی ساکنان فلسطینی سرزمین‌های اشغالی بودند. مقابله هر روزه آنها با نیروهای نظامی و امنیتی اسرائیل ضررهای جانی و مالی فراوانی را به آنها وارد آورد و آزادی آنها را به چالش فرا خواند. بسیاری از فلسطینی‌ها در طول انتفاضه اول کشته و یا زخمی شدند و هزاران نفر از آنها به زندان افتادند.<sup>(۱۰)</sup> یک گزارش هزار صفحه‌ای که از طرف شعبه سوئدی صندوق نجات کودکان در این باره تهیه شده بود اسرائیل را به خشونت شدید علیه نوجوانان فلسطینی متهم کرد. بر طبق آن گزارش، بیش از ۶۰ هزار نفر از نوجوانان و جوانان فلسطینی مورد معالجه به خاطر جراحات وارده قرار گرفتند که حداقل ۶۵۰۰ نفر از آنها زخم ناشی از گلوله داشتند.<sup>(۱۱)</sup> اما ضرر عمده فلسطینی‌ها جنبه اقتصادی داشت که آن فروپاشی اقتصاد محلی و کاهش قابل توجه در تعداد فلسطینی‌های شاغل در اسرائیل بود که بنیان اقتصاد فلسطینی را در هم ریخته بود. گفتنی است که تجارت و اشتغال در اسرائیل در بیست و پنج سال گذشته، یک منبع عمده درآمد ملی فلسطینی‌ها در ساحل غربی و نوار غزه بوده است.<sup>(۱۲)</sup>

اما لطمات وارده به اقتصاد اسرائیل نیز قابل توجه بود. از اوایل فوریه ۱۹۸۸، هزینه‌های اضافی نیروهای نظامی در سرزمین‌های اشغالی روزانه به رقم ۵ میلیون دلار رسید. ضررهای وارده به بخش تجاری سنگین‌تر بود و ماهانه به ۱۹ میلیون دلار می‌رسید. به خاطر عدم حضور کارگران فلسطینی در بخش صنایع ساختمانی اسرائیل و مزارع کشت مرکبات این بخش‌ها تقریباً برای مدت شش ماه اولیه قیام فلج شده بود. تا نیمه اول سال ۱۹۸۸ درآمد حاصل از توریسم ۵۰ درصد کاهش یافته بود.

همچنین بنا به گزارش بانک اسرائیل در پایان سال ۱۹۸۸، تحریم فلسطین برای اسرائیل رقمی معادل ۶۵۰ میلیون دلار ضرر صادرات از جمله صادرات به بازار آن منطقه را در بر داشت.<sup>(۱۳)</sup> در ضمن بنا به گزارش روزنامه وال استریت ژورنال به نقل از منابع اسرائیلی، زیان وارده به اسرائیل در زمینه رشد تولیدات به یک میلیارد دلار و هزینه نظامی برای سرکوب انتفاضه در دو سال اول قیام ۶۰۰ میلیون دلار بالغ گردید.<sup>(۱۴)</sup>

## ۲-۲- دستاورد انتفاضه اول

انتفاضه اول فلسطین موفق به خارج ساختن اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی و یا پایان دادن به وابستگی اقتصادی فلسطینی‌ها به اسرائیل نشد.<sup>(۱۵)</sup> به تدریج نیز وسایل ارتباط جمعی بین‌المللی، اخبار مربوط به انتفاضه اول را از صدر اخبار خود خارج ساختند، چرا که سایر رویدادهای بین‌المللی از جمله فروپاشی شوروی سابق و دیوار برلین جای اخبار مربوط به انتفاضه اول را پر کرده بود. معذالک فلسطینی‌ها از این انتفاضه با احساس توأم با رضایت بیرون آمدند. چرا که در یک دوره مبارزه پنجاه ساله، آنها بدون دریافت هیچ‌گونه کمکی از دولت‌های عرب منطقه این جرأت و جسارت را یافتند که با دست خالی در برابر اسرائیل و نیروهای آن بایستند.<sup>(۱۶)</sup> داود کوچک عصر حاضر یعنی نوجوان فلسطینی سنگ به دست شجاعانه در مقابل جالوت زمانه یعنی اسرائیل تا دندان مسلح و قدرتمند ایستاده بود و مبارز می‌طلبید.<sup>(۱۷)</sup> این قیام نتیجه دیگری را هم برای فلسطینی‌ها رقم زد و آن این بود که انتفاضه که به تنهایی توسط ساکنان فلسطینی سرزمین‌های اشغالی شکل گرفت و انجام شد موفق گردید شرم حاصل از شکست فلسطینی‌ها در لبنان را بزداید.

حرکت انتفاضه اول در مقابل رهبریت سازمان آزادی‌بخش فلسطین در تونس را با یک چالش جدیدی روبرو کرد. اینکه چطور آنها بتوانند کنترل دوباره خود را بر تمام مردم فلسطین به دست آورند، از چالش‌های فراروی آن سازمان گردید. لذا تغییر راهبردها از سوی سازمان آزادی‌بخش فلسطین ضروری تشخیص داده شد. از این رو یک سال بعد از شروع انتفاضه بود که شورای ملی فلسطین علناً و صریحاً بعد از گذشت چهل سال تصمیم خود را دایره بر پذیرش قطعنامه شماره ۱۸۱ سال ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل، که خواهان یک راه حل سیاسی

براساس تقسیم فلسطین به دو دولت جداگانه بود، اعلام کرد<sup>(۱۸)</sup> و ضمناً با تصمیم تاریخی خود در نوامبر و دسامبر ۱۹۸۸ بر پذیرش قطعنامه‌های شماره ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت و شناسایی موجودیت اسرائیل صحه گذارد.<sup>(۱۹)</sup>

از طرف دیگر، انتفاضه اول موجب شد که اسرائیلی‌ها نیز در مواضع خود تجدیدنظر نمایند. شش ماه بعد از تصمیمات شورای فلسطین، دولت اسرائیل نیز با یک برنامه چهار قسمتی برای فرایند سیاسی صلح به میدان آمد. این برنامه که در آوریل ۱۹۸۹ مطرح شد خواستار اجرای توافق کمپ دیوید و برقراری صلح با دولت‌های عربی بود. برنامه مذکور همچنین خواستار تلاش هماهنگ برای حل مسأله آوارگان فلسطینی، که کماکان در اردوگاه‌ها در ساحل غربی و نوار غزه زندگی می‌کردند، شده بود. سرانجام این طرح خواهان انجام انتخابات در مناطق اشغالی با هدف انتخاب نمایندگانی برای مذاکره با اسرائیل بود.<sup>(۲۰)</sup>

دو سال بعد، جنگ دوم خلیج فارس آغاز شد. جنگ دوم خلیج فارس و اشتباه بزرگ فلسطینی‌ها در حمایت از صدام حسین، آخرین ضربه‌ای بود که فلسطینی‌ها را مجبور نمود که در مبارزه با اسرائیلی‌ها به راه‌حل‌های سیاسی تن در دهند.<sup>(۲۱)</sup> این جنگ یادآور تحول و دگرگونی در سیاست مدیترانه‌ای، زخم‌پذیری اسرائیل در برابر حملات موشکی و محدودیت‌های قدرت و توانایی نظامی اسرائیل نیز بود. حملات موشکی عراق گرچه دارای خسارات محدودی بود، اما خسارات و آثار اقتصادی وارده به اسرائیل بالا بوده و تقریباً برای چند هفته اسرائیل را فلج کرده بود. جنگ خلیج فارس یک نقطه عطفی در دیدگاه اسرائیل به محیط خاورمیانه تلقی شد. مهمترین تغییر در موازنه راهبردی اسرائیل، فروپاشی اتحاد شوروی بود. سقوط امپراتوری شوروی از سوی رهبران اسرائیل به عنوان یک محیط جدید بین‌المللی دیده شد و درها به‌روزی صلح در خاورمیانه گشوده شد. این تحولات موجب تقویت این درک در بعضی کشورهای عرب گردید که اسرائیل را به عنوان یک واقعیت خاورمیانه‌ای بپذیرند،<sup>(۲۲)</sup> تحولاتی که آثار خود را به روی فلسطین و نیز انتفاضه می‌گذاشت. این تحولات چنانچه دیدیم نهایتاً به کنفرانس صلح مادرید و توافقات بعدی منتهی شد.

در این میان مبارزان فلسطینی (اعضای حماس و جهاد اسلامی و دیگران) با انجام یک سلسله بمب‌گذاری‌های انتحاری در اسرائیل تلاش می‌کردند که توافقات سازمان آزادی‌بخش

فلسطین و اسرائیل را از مسیر خارج نمایند. یاسر عرفات رئیس حکومت خودگردان فلسطین حالا به طور کلی سیاست خود را عوض کرده بود. او چاره‌ای جز سرکوب حرکت‌های مخالف روند صلح نداشت.<sup>(۲۳)</sup> لذا قیام انتفاضه که می‌رفت بُعد جدیدی به مبارزات چند دهه فلسطینی‌ها با اسرائیل بدهد با کنفرانس مادرید و توافقات بعدی و تشکیل حکومت خودگردان فلسطین تقریباً متوقف می‌شود. در پس این تحولات بود که مرکز ثقل سیاست فلسطینی به مناطق اشغالی منتقل شد. از آن پس بود که فلسطینی‌ها در مقابل فلسطینی‌ها قرار گرفتند، تا آنجا که مردم فلسطین پس از اسلو حکومت خودگردان را حتی به صورت چماقی بالای سر خود دیدند. البته حکومت خودگردان خود را ناچار به اعمال این‌گونه روش‌ها و سیاست‌ها می‌دید. زیرا که مبارزه با فلسطینی‌ها پیش شرط تداوم مذاکرات با اسرائیل بود.

به رغم خاموشی انتفاضه اول، سیاست حکومت خودگردان در برخورد با مبارزان فلسطینی طبق توافقات با اسرائیل ادامه یافت. معذالک روش‌ها و سیاست‌های برخورد حکومت خودگردان نظر اسرائیل و افکار عمومی آن را تأمین نمی‌کرد و لذا این امر در درون اسرائیل نیز آثار خود را بر جای گذارد و موجب شد که رأی‌دهندگان اسرائیلی نخست وزیر دست‌راستی را انتخاب کنند تا به مسأله برخورد با فلسطینی‌ها شدت بیشتری بدهد. لذا دیدیم که رأی‌دهندگان یهودی حمایت خود را از نامزد حزب کارگر یعنی شیمون پرز گرفتند و آن را به نامزد حزب لیکود یعنی بنیامین نتانیاهو دادند.

در دوران نخست وزیری نتانیاهو در اسرائیل، ضمن آنکه سیاست برخورد با مبارزان فلسطینی شدت بیشتری یافت، در پیگیری فرایند صلح که حکومت خودگردان فلسطین با دولت قبلی در اسرائیل دنبال می‌کرد، خلل و وقفه ایجاد شد. زیرا که دولت دست‌راستی جدید خود را متعهد به سیاستی کاملاً متفاوت با سیاست دولت کارگر در قبال فرایند صلح می‌دانست. محورهای سیاست دولت بنیامین نتانیاهو پیام روشن زیر را به فلسطینی‌ها می‌داد:<sup>(۲۴)</sup>

الف) هیچ پیشرفتی در فرایند صلح رخ نخواهد داد تا زمانی که حکومت خودگردان به تعهدات خود عمل نماید. تعهد آنها برخوردی همه‌جانبه با مبارزان فلسطینی و حذف تروریسم است.

ب) دولت اسرائیل قصد آن را ندارد که انتظارات فلسطینی‌ها را که دولت کارگر قبلی

نسبت به آن توافق کرده است؛ برآورده سازد. به خصوص که دولت دست‌راستی کاملاً با اندیشه تشکیل یک دولت فلسطینی به عنوان نتیجه نهایی مذاکرات صلح مخالف است و سرزمین‌هایی را که اسرائیل به فلسطینی‌ها منتقل می‌کند از ۵۰ تا ۶۰ درصد ساحل غربی تجاوز نخواهد کرد. به‌علاوه در مورد اورشلیم (قدس) اسرائیل به هیچ‌وجه حاضر به دادن امتیاز نیست. (ج) برای ترغیب فلسطینی‌ها به قبول پارامترهای جدید سیاست دولت اسرائیل و تطبیق با آن، اسرائیل از اعمال فشارهای جدی به فلسطینی‌ها در شکل فشار اقتصادی و اعزام نیرو به سرزمین‌های خودمختار فلسطین خودداری نخواهد کرد. (۲۵)

این شرایط و وضعیت روابط اسرائیل و فلسطینی‌ها را به مرحله جدید و حساسی رساند. مذاکرات با فلسطینی‌ها در هاله‌ای از عدم اعتماد متقابل و سوءظن فرو رفته بود و مبارزه فلسطینی‌ها و شرایط داخلی اسرائیل بار دیگر موجب شد تا جناح کارگر در مبارزه بر رقیب دست‌راستی پیروز شود و نخست‌وزیری اسرائیل به باراک برسد، زیرا که در سال ۱۹۹۶ اسرائیلی‌ها احساس می‌کردند که پرز در قضیه صلح خیلی بخشنده عمل می‌کند و اسرائیلی‌ها را در برابر خسارات فزاینده ناشی از حملات تروریستی قرار می‌دهد. (۲۶) لذا او را انتخاب نکردند اما در ۱۷ مه ۱۹۹۹ آنها با انتخاب باراک، نتانیاهو را به خاطر دفع‌الوقت کردن در امر مذاکرات صلح مجازات نمودند. (۲۷)

### ۳. انتفاضه مسجدالاقصی - احیای مبارزات

بی‌نتیجه ماندن مذاکرات صلح اسرائیل در دوران نخست‌وزیری باراک با حکومت خودگردان فلسطین در کمپ دیوید (۲۸) ضمن آنکه موجب خاتمه دادن به حیات سیاسی باراک در اسرائیل و انتخاب آریل شارون به نخست‌وزیری گردید خود از عوامل عمده احیای انتفاضه دوم بود که بستر و زمینه سیاسی - روانی لازم را در فلسطین برای شروع مجدد این قیام فراهم کرد. نقش مقاومت اسلامی لبنان در خروج اسرائیل از جنوب آن کشور نیز مشوق و الگویی برای فلسطینی‌های درون سرزمین‌های اشغالی بود تا به تداوم مبارزه با اسرائیل به‌عنوان روشی عملی‌تر در احقاق حقوق حقه خود نگاه کنند. البته ورود آریل شارون رهبر حزب لیکود به همراه نمایندگان حزب لیکود در پارلمان اسرائیل و صدها مأمور امنیتی به محوطه حرم‌الشریف در ۲۸

سپتامبر ۲۰۰۰ با این ادعا که او حق دارد این منطقه را که از سال ۱۹۶۷ تحت کنترل اسرائیل بوده بازدید نماید<sup>(۲۹)</sup> مستمسکی به دست فلسطینی‌ها داد تا به قیام و مبارزه خود علیه اسرائیل شدت بیشتری بخشند و عملاً زمینه شکل‌گیری انتفاضه دوم، موسوم به انتفاضه مسجدالاقصی را فراهم سازند. سفر شارون در واقع جرقه‌ای بود که شعله وضعیتی را که به هر حال در آستانه انفجار بود برافروخت. اگر این جرقه زده نمی‌شد قطعاً جرقه دیگری خشم و قیام فلسطینی‌ها را برمی‌انگیخت.<sup>(۳۰)</sup> لذا این نظر که علت اصلی شروع انتفاضه مسجدالاقصی را نباید صرفاً در ورود شارون به محوطه مسجدالاقصی دانست از اعتبار بالایی برخوردار است.

روز بعد از این واقعه تظاهراتی در محوطه حرم‌الشریف صورت گرفت که موجب کشته شدن هفت فلسطینی<sup>(۳۱)</sup> و زخمی شدن تعداد کثیری از آنها شد. در اثر انتفاضه دوم که کماکان ادامه دارد تاکنون بیش از چند صد فلسطینی کشته و هزاران نفر مجروح و تعداد زیادی بازداشت شده‌اند. نسبت کشته‌شدگان فلسطینی به اسرائیلی تاکنون حدوداً ۱۵ به ۱ بوده است.<sup>(۳۲)</sup>

### ۱-۳- اهداف سیاسی انتفاضه مسجدالاقصی

اهداف سیاسی که فلسطینی‌ها در انتفاضه دوم دنبال می‌کنند دقیقاً همان است که در انتفاضه اول در پی آن بودند. فلسطینی‌ها امیدوارند که مبارزه و برخورد و خشونت را به دستاورد سیاسی تبدیل کنند. آنها از جمله در پی تحقق موارد زیر می‌باشند:<sup>(۳۳)</sup>

- عقب‌نشینی اسرائیل تا مرزهای ژوئن ۱۹۶۷

- اجرای حق بازگشت آوارگان فلسطینی

- اعلام دولت مستقل فلسطینی

برای نیل به اهداف فوق، فلسطینی‌ها و حکومت خودگردان تلاش داشته و دارند که به مسئله فلسطین از طریق استقرار نیروهای بین‌المللی برای حفاظت فلسطینی‌ها، که تاکنون از سوی اسرائیل و آمریکا قویاً رد شده است، و نیز جلب افکار عمومی جهان از طریق انتفاضه ابعاد بین‌المللی بدهند<sup>(۳۴)</sup> در مقابل حکومت دست راستی جدید به رهبری شارون تاکنون برخورد شدید را در برابر انتفاضه در پیش گرفته است و ضمناً هرگونه احیای مذاکرات با حکومت خودگردان را به خاموش کردن شعله‌های انتفاضه توسط حکومت خودگردان وابسته دانسته است.



تلاش‌های بین‌المللی هم‌چو در خاموش کردن شعله‌های انتفاضه، و چه در احیای مذاکرات صلح بین اسرائیل و فلسطینی‌ها تا به حال بی‌نتیجه بوده است. لذا نیل به اهداف سیاسی فوق از طریق تداوم انتفاضه مسجداً الاقصی در صورتی که از پشتوانه عملی و واقعی جهان عرب و اسلام برخوردار باشد و چالش‌های درون فلسطینی در صورتی که مرتفع شوند عملی است و در این حالت به موفقیت این قیام در رسیدن به بخشی از اهداف خود می‌توان امید داشت، در غیر این صورت تداوم انتفاضه تنها سرکوب بیشتر فلسطینی‌ها، فرسایشی شدن درگیری‌ها، به تعویق افتادن مذاکرات صلح یا سازش و مجدداً پرنگ شدن فضا و روحیه دولت پادگانی و ارتش هموطنان را در اسرائیل به همراه دارد.<sup>(۳۵)</sup> حتی در این صورت جدی شدن درگیری اسرائیل با همسایگان منطقه‌ای را نیز نباید بعید دانست.<sup>(۳۶)</sup>

### ۳-۲- موانع پیروزی انتفاضه جدید

مردم فلسطین و مبارزات آنها در اشکال مختلف از جمله انتفاضه اخیر تاکنون قربانی حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا از اسرائیل، شعارزدگی جهان عرب، فقدان اعتماد بین رژیم‌های عرب و حکومت خودگردان<sup>(۳۷)</sup> و مهمتر از همه چالش‌های درون فلسطینی بوده است. هریک از عوامل فوق می‌توانند در عدم وحدت و برپایی یک چالش مؤثر از سوی فلسطینی‌ها در برابر اسرائیل کارساز باشند. اما در این میان، روابط بین بازیگران سیاسی مختلف صحنه فلسطین از عوامل اصلی عدم موفقیت مبارزات فلسطینی‌ها به‌طور اعم و پیروزی و موفقیت انتفاضه به‌طور اخص بوده است.

فرایند صلح به‌طور کلی و تأسیس حکومت خودگردان فلسطین به‌طور خاص تضاد را در درون صحنه سیاسی فلسطین عمیق‌تر کرد. یک نتیجه انتقال مرکز سیاست فلسطین به مناطق اشغالی متعاقب تشکیل حکومت خودگردان به حاشیه رفتن جناح‌های اپوزیسیون فلسطینی بود. می‌دانیم که نقشه سیاسی فلسطین منعکس‌کننده لایه‌های سیاسی گوناگون و متضادی است. در حال حاضر گروه‌های سیاسی فلسطینی درون و بیرون فلسطین وجود دارند که با قواعد سیاسی جدید بعد از اسلو و فرایند صلح مخالفند. گروه‌هایی نیز در صحنه حضور دارند که با فرایند بعد از اسلو موافق می‌باشند اما با حکومت خودگردان در سطوح سازمانی و اجرایی اختلاف نظر دارند.

این دو گروه عمده از طیف‌های زیر تشکیل شده‌اند:

الف) حکومت خودگردان فلسطین و طرفداران آن در الفتح و سایر گروه‌های همسو.  
ب) اپوزیسیون سیاسی شامل دو شاخه سکولار چپ، شاخه اسلامی و گروه‌های مستقل  
متشکل از:

ب-۱- شاخه سکولار چپ شامل جبهه خلق برای آزادی فلسطین (فرماندهی کل) و  
جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین و حزب الشعب.

ب-۲- شاخه اسلامی شامل حماس، جهاد اسلامی و حزب آزادیبخش اسلامی

ب-۳- گروه‌های مستقل که به دو شاخه وابسته به اپوزیسیون چپ و وابسته به اپوزیسیون  
اسلامی تقسیم می‌شوند.

اتحاد این گروه‌ها می‌توانست و می‌تواند انتفاضه جدید را به حرکتی موفق تبدیل کند. اما  
بین این گروه‌ها اختلاف نظر در ابعاد مختلف وجود دارد. رویه‌های آنها متفاوت است نسبت به  
فرایند صلح دیدگاه خاص خود را تعقیب می‌کنند. مسایل ایدئولوژیکی، استراتژیکی و مالی  
خاص خود را دارند. تاکنون نتوانسته‌اند به یک توافق جامع در اهداف و راهبردها برسند.<sup>(۳۹)</sup>  
اسیر مواضع جامدی هستند. به علاوه به این موارد باید این طور افزود که حیات فعالیت سیاسی در  
داخل فلسطین اکنون به خاطر مشکلات اقتصادی ناشی از ماه‌ها مبارزه در شرایط محاصره روبه  
افول می‌رود و اسفبار است مردم در پی قوت لایموت کم‌کم مبارزه را به فراموشی خواهند سپرد و  
... اینها که همه مایه خشنودی اسرائیل است<sup>(۴۰)</sup> به پاشنه آشیل این حرکت مردمی تبدیل شده‌اند  
و در نتیجه این حرکت مردمی را در صحنه فلسطینی زخم‌پذیر ساخته‌اند.

#### ۴. نتیجه

عملگرایی فلسطینی، چنانچه بخواهد در تأمین حقوق حقه فلسطینی‌ها، در شرایط  
مصالحه‌ناپذیری اسرائیل، به پیروزی ختم شود، قطعاً نیاز به وحدت و یکپارچگی درون  
فلسطینی، قبل از هر عامل دیگری دارد. اما نیل به چنین وحدتی با توجه به موانع پیش‌گفته و در  
بستر فقر و استیصال فزاینده مردم فلسطین ناشی از فشار و تضيیقات اقتصادی وارده از سوی  
اسرائیل، و ناتوانی حکومت خودگردان در یکسره کردن کار امکان‌پذیر نیست، و لذا هاله‌ای از

ابهام بر سر پیروزی این قیام و این مبارزه مردمی، که روز به روز فرسایشی‌تر می‌شود، کشیده شده است.

چشم داشتن به حمایت‌های همه‌جانبه، واقعی و به‌دور از شعارزدگی جهان عرب از حرکت‌های فلسطینی، به خصوص با توجه به تجربیات پنجاه سال گذشته، نویدبخش نمی‌باشد. حمایت‌های جامع‌الاطراف آمریکا از اسرائیل از موانع دیگر بر سر راه عمل‌گرایی فلسطینی و تجزی اسرائیل محسوب می‌شوند. اینها مجموعاً چشم‌انداز روشنی را در مورد آینده انتفاضه مسجدالاقصی در نظر نمی‌آورند. لذا در صورت تداوم این موانع و عوامل نمی‌توان نتیجه‌ای بهتر از انتفاضه اول را برای این حرکت جدید ترسیم نمود.



یادداشت‌ها

1. Howard M.Sachar, *A History of Israel* (New York: Alfred A. Knöpf. New York 1998), p.964.
2. Claire Hoy & Victor Ostrovsky, *By Way of Deception*, (Arrow edition, 1991), p.332.
3. *Ibid.* p. 332.
4. Shlomo Gazit, "Israel and the Palestinians: Fifty years of Wars and Turning Points", in Gabriel Ben- dor (Editor), *Israel in Transition, The Annals*, (January 1998), p.91.
5. *Ibid.*, p.92.
6. Moshe Arens, *Ha'aretz*, 14 Nov.2000.
7. Shlomo Gazit, *op.cit.*, p.92.
8. *Ibid.* p. 92.
9. Moshe Arens, *op.cit.*
10. Shlomo gazit, *op.cit.*
11. Claire Hoy & Victor Ostrovsky, *op.cit.*, p.333.
12. Shlomo Gazit, *Ibid.*
13. Howard M.Sachar, *op.cit.*, p. 965.
14. Claire Hoy and Victor Ostrovsky, *op.cit.*
15. Shlomo Gazit, *op.cit.*
16. *Ibid.*
17. *Ibid.*, p.93.
18. *Ibid.*
19. Efraim Karsh, "Peace Despite everything", *Israel Affairs*, No.3&4, (Spring \_ Summer, 1997), p.124.

20. Shlomo Gazit, *Ibid.*

۲۱. اشتباه راهبردی سازمان آزادی‌بخش فلسطین در سال ۱۹۹۰، یعنی اتحاد با صدام، باعث شد که سازمان حمایت‌های مالی و دیپلماتیک بسیاری از کشورهای عرب را از دست بدهد، موجب خشم آمریکا شود و در نتیجه سازمان را به شرایط آمریکا نزدیک نماید، یعنی تن در دادن به کنفرانس مادرید در نوامبر سال ۱۹۹۱ که با هدایت آمریکا شکل گرفت. به دنبال این کنفرانس، سازمان آزادی‌بخش فلسطین در سپتامبر ۱۹۹۳ قرارداد اسلو را امضا کرد که به موجب آن اسرائیل را مورد شناسایی قرار داد، به کارگیری زور را نفی نمود و قول الغای بندهایی از منشور فلسطین را داد که خواهان نابودی اسرائیل بودند.

Efraim Inbar, *The Arab - Israeli peace process*, *Journal of International Affairs*, (March - May 2000), Vol.5, No.1, Passim.

22. Efraim Inbar, "Israeli National Security, 1973 - 96", in Gabriel Bendor, (Ed.), *Israel in Transition, The Annals*, (January 1998), pp. 69-70.

23. Shlomo Gazit, *op.cit.*, p.94.

24. *Ibid.*

25. *Ibid.*

26. Ira Sharkansky, *Policy making in Israel*, (Pittsburgh: University of Pittsburgh Press, 1997), p. 41.

27. The Royal Institute of International Affairs, Middle East Programme, *Briefing Paper New Series*, No.5, (August 1999), pp.1-6 Passim.

۲۸. اجلاس کمپ دیوید بارد پیشنهادات کلیتون از سوی حکومت خودگردان در ژوئیه سال ۲۰۰۰ خاتمه یافت. کلیتون مسؤولیت کامل شکست مذاکرات کمپ دیوید را برعهده یاسر عرفات گذارد.

Yigal Carmon and Yotam Feldner, "*The Intifada of Al- Aqsa*", *Roots & Goals, Memri*", No.42, Oct. 11, 2000.

29. *Ha, aretz* Special, Sunday, February 4, 2001.

30. Yanabi, supplement, *Al-Ayyam* (PA), Nov.11, 2000.

31. *Ha, aretz* Special, Feb. 4, 2001.

32. Noam Chomsky, *Al- Aqsa Intifada*, Znet top, Mideast Watch top.

33. Yigal Carmon and Yotam Feldner, *op.cit.*, Passim

34. *Ibid.*

۳۵. محمدرضا ملکی، تحلیلی بر تحولات اخیر فلسطین، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹، صفحات ۱۱۸۴-۱۱۷۳.

۳۶. همان.

37. *Special dispatch* 178-PA, Jan. 16. 2001.

38. Arjan EL Fassed, *Challenges to Oslo: How Strong is the Palestinian Political Opposition*, Amsterdam Middle East papers, Publication of Amesterdam International Studies, (April 1977), pp. 3-4.

39. *Ibid.*, pp. 1- 19 Passim.

40. Rachelle Marshall, as Israelis bicker Among Themselves, Palestinians Grapple with serious Internal problems, *The Washington Report on Middle East Affairs*, (August - September 1997), p.8.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی